



صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی

تالیف:

هدی منشی زاده

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: منشی زاده، هدی، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی / تالیف هدی منشی زاده.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۶۹-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۲۲.
موضوع	: صلاحیت قانونی (حقوق بین الملل)
موضوع	: Jurisdiction (International law)
موضوع	: صلاحیت رسیدگی به امور کیفری
موضوع	: Criminal jurisdiction
موضوع	: دادگاه های جزایی بین المللی
موضوع	: International criminal courts
موضوع	: دادگاه های جزایی بین المللی — قوانین و رویه ها
موضوع	: International criminal courts -- Rules and practice
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ص ۸ / م / KZ۴۰۱۷
رده بندی دیویی	: ۳۴۱/۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۳۶۷۰۳

انتشارات قائمیه یار

صلاحیت دادگاه کیفری بین المللی و مقایسه آن با سایر محاکم بین المللی

تألیف: هدی منشی زاده

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-69-5

مرکز پخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

فهرست مطالب

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۵

فصل اول ۱۹

زمینه های شکل گیری صلاحیت کیفری بین المللی	۱۹
مبحث اول : پدیده مجرمانه بین المللی و اعمال صلاحیت در مورد آن	۲۱
گفتار اول : پدیده ی مجرمانه بین المللی	۲۱
بند اول : مفهوم جنایت بین المللی	۲۱
بند دوم : مسئولیت کیفری بین المللی	۲۳
گفتار دوم : شیوه های اعمال صلاحیت در مورد پدیده ی مجرمانه بین المللی	۲۴
بند اول : اصل صلاحیت جهانی	۲۴
بند دوم : صلاحیت بین المللی	۲۷
مبحث دوم : صلاحیت کیفری بین المللی موردی	۳۱
گفتار اول : صلاحیت کیفری فاتحان در جنگ یا صلاحیت کیفری بین المللی؟	۳۱
بند اول : دادگاه کیفری بین المللی نورمبرگ	۳۱
بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی توکیو	۳۶
گفتار دوم : مشروعیت تشکیل دادگاه بین المللی توسط سازمان ملل متحد	۳۸
بند اول : دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق	۳۹
بند دوم : دادگاه کیفری بین المللی برای رواندا	۴۳
مبحث سوم : صلاحیت کیفری بین المللی دائمی	۴۵
گفتار اول : ایجاد صلاحیت کیفری بین المللی دائم	۴۶
بند اول : اقدامات پیش از کنفرانس رم	۴۶
بند دوم : جدال صلاحیت در کنفرانس رم	۵۱
گفتار دوم : افق های صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی	۵۴
مبحث چهارم: قلمرو زمانی اعمال صلاحیت محاکم کیفری بین المللی	۵۹
گفتار اول : تحلیل صلاحیت زمانی در اساسنامه دادگاه های بین المللی	۵۹



- بند اول : صلاحیت زمانی دادگاه های موردی ۵۹
- بند دوم : صلاحیت زمانی در پرتو جنایات واقع شده ۶۰
- بند سوم: صلاحیت زمانی معین ۶۱
- بند چهارم : صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین المللی ۶۳
- گفتار دوم: ملاحظات عملی اعمال صلاحیت زمانی دیوان کیفری بین المللی ۶۷
- بند اول : جرایم مستمر و مرکب ۶۷
- بند دوم : مقررات انتقالی ۶۸
- بند سوم : صلاحیت موردی دیوان ۷۱
- بند چهارم : کناره گیری ۷۳

فصل دوم ۷۵

- اصول حاکم بر صلاحیت دیوان کیفری بین المللی ۷۵
- مبحث اول : تعیین مبنای صلاحیت دیوان مهمترین مسأله کنفرانس رم ۷۷
- گفتار اول : اصل صلاحیت جهانی و دیوان کیفری بین المللی ۷۷
- بند اول : صلاحیت جهانی مناسب ترین مبنا برای دیوان کیفری بین المللی ۷۷
- گفتار دوم: ارتباط دیوان کیفری بین المللی با حاکمیت دولت ها ۸۵
- بند اول : صلاحیت یک درجه ای ۸۶
- بند دوم : صلاحیت جهانی یا محدود ۸۶
- نظر موافقان ۸۷
- نظر مخالفان ۸۷
- تصمیم نهایی ۸۸
- مبحث دوم : صلاحیت تکمیلی و قابلیت پذیرش دعوا ۹۰
- گفتار اول : ارتباط دادگاه های بین المللی و دادگاه های ملی در امور کیفری ۹۰
- گفتار دوم : ارتباط دادگاه های بین المللی با دادگاه های ملی در نخستین اقدام ها ۹۳
- بند اول : معاهده صلح ورسای ۹۳
- بند دوم : اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو ۹۵
- بند سوم : کنوانسیون پیشگیری و مجازات نسل زدایی ۹۵



- گفتار سوم: ارتباط دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا با دادگاه های ملی ۹۶
- مبحث سوم: صلاحیت سرزمینی ۹۸
- گفتار نخست: جایگاه صلاحیت سرزمینی در اجرای عدالت کیفری بین المللی ۱۰۲
- بند اول: صلاحیت سرزمینی در اولین تجربه اجرای عدالت کیفری بین المللی ۱۰۲
- بند دوم: صلاحیت سرزمینی مبنای اعمال صلاحیت دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۰۳
- بند سوم: صلاحین سرزمینی مبنی مهم اما غیر منحصر تعیین صلاحیت در دیوان کیفری بین المللی ۱۰۵
- گفتار دوم: ملاحظات عملی اعمال صلاحیت سرزمینی در دیوان کیفری بین المللی ۱۰۶
- بند اول: وقوع جنایت در قلمرو چند دولت ۱۰۶
- بند دوم: وقوع جنایت در مناطق آزاد ۱۰۸
- بند سوم: مقررات انتقالی و اصلاحی ۱۰۹
- مبحث چهارم: صلاحیت شخصی ۱۱۱
- گفتار اول: صلاحیت شخصی در محاکم کیفری بین المللی ۱۱۳
- بند اول: دادگاه های نورمبرگ و توکیو ۱۱۴
- بند دوم: دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۱۶
- بند سوم: دیوان کیفری بین المللی ۱۱۷
- گفتار دوم: قلمرو اعمال صلاحیت دیوان در مورد اشخاص ۱۱۹
- بند اول: اشخاص حقوقی ۱۱۹
- بند دوم: اطفال و نوجوانان ۱۲۱
- بند سوم: دارندگان مصونیت ۱۲۳
- مبحث پنجم: جنایات جنگی ۱۲۵
- گفتار اول: جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های نورمبرگ و توکیو ۱۲۷
- گفتار دوم: جنایات جنگی در اساسنامه دادگاه های یوگسلاوی سابق و رواندا ۱۲۸
- گفتار سوم: جنایات جنگی در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی ۱۲۹
- بند اول: نقض های فاحش قراردادهای ژنو ۱۳۰
- بند دوم: نقض های فاحش قوانین و عرف های مسلم حقوق بین الملل حاکم بر منازعات مسلحانه بین المللی ۱۳۰



بند سوم : نقض‌های فاحش ماده ۳ مشترک قراردادهای ژنو در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ۱۳۳

فصل سوم ۱۳۶

نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۳۶

منابع و مآخذ ۱۵۶

منابع فارسی ۱۵۸

الف. کتاب‌ها ۱۵۸

ب. مقاله‌ها ۱۶۰

منابع انگلیسی ۱۶۵

پی‌شگفتار

صلاحیت به شایستگی، اقتدار و توانایی یک مرجع در رسیدگی به موضوع یا موضوعاتی که قانونگذار به آن مرجع اعم از قضایی و یا غیر قضایی تفویض نموده است گفته می‌شود. به عبارت دیگر صلاحیت را می‌توان «اختیار قانونی یک مامور رسمی برای انجام پاره‌ای از امور مانند صلاحیت دادگاهها و صلاحیت مامور دولت در تنظیم سند رسمی» دانست. در خصوص صلاحیت کیفری یکی از حقوقدانان کیفری آن را بدین شرح تعریف نموده است «صلاحیت کیفری را می‌توان به توانایی و شایستگی قانونی و نیز تکلیف مرجع قضایی به رسیدگی به یک دعوی کیفری تعبیر نمود». «معمولاً مراجع اختصاصی با حکم خاص قانون و مراجع عمومی با حکم عام قانون صلاحیت رسیدگی به دعاوی را پیدا می‌کنند». در باب صلاحیت دادگاهها می‌توان صلاحیت مراجع کیفری را به صلاحیت ذاتی، محلی، اضافی و شخصی تقسیم نمود. در مورد صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی می‌توان صلاحیت دیوان را با توجه به اصطلاحات رایج در بین حقوقدانان کیفری بین‌المللی به صلاحیت موضوعی (ذاتی)، تکمیلی، زمانی و شخصی تقسیم نمود در این کتاب هریک از این صلاحیت‌ها بررسی خواهد شده و با صلاحیت دیگر محاکم بین‌المللی مقایسه خواهد شد.

صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی محدود به چهار جنایت مهم بین‌المللی یعنی جنایت نسل زدایی، جنایت جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایت تجاوز است. در حال حاضر نیز اعمال صلاحیت در مورد جنایت اخیر امکان پذیر نمی‌باشد، اما گستردگی مصادیق جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت و فقدان شرط آستانه در مورد جنایات جنگی موجب می‌شود مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی از ضمانت اجرای کیفری برخوردار باشند و امکان تعقیب مرتکبان نقض این حقوق، به هنگام عدم تمایل یا فقدان قدرت دولت‌های ملی صلاحیت دار، بر دیوان یاد شده مهیا شود. در همین راستا نگرانی ناشی از توسعه کمی جنایات مذکور و نیز محدود بودن امکانات نیروی انسانی و مالی دیوان جهت تعقیب این جنایات و همچنین بیم دولت‌ها از مداخله دیوان در امور داخلی آن‌ها با اصل صلاحیت



تکمیلی و معیارهای پیش بینی شده جهت قابلیت پذیرش دعوی در دیوان پاسخ داده شده است؛ بدین منظور است که دیوان نه به عنوان جایگزین بلکه در مقام مکمل دادگاه های صلاحیت دار ملی، به هنگام ناتوانی و یا عدم تمایل این دادگاه ها در رسیدگی به مهمترین موارد نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین المللی، توسعه صلاحیت دیوان را بیش از آن چه هست ضروری می نماید. امید است توافق مجمع دولت های عضو اساسنامه در کنفرانس بازنگری در خصوص شرایط اعمال صلاحیت دیوان کیفری بین المللی نسبت به جنایت تجاوز، پذیرش اصل صلاحیت جهانی به عنوان مبنای تعیین صلاحیت دیوان، توسعه صلاحیت موضوعی این دیوان به جنایات مهمی مانند تروریسم و استفاده از سلاح های اتمی و همچنین گسترش تعریف جنایت نسل زدایی به گروه های سیاسی و اجتماعی، موجبات اقتدار بیشتر دیوان را فراهم آورد.

بر خلاف حقوق داخلی که قانونگذار واحد در اعطای صلاحیت به هر محکمه مراقبت دارد که از ایجاد صلاحیتهای موازی دادگاهها اجتناب نماید، در جامعه دولتها به مقتضای اصل حاکمیت هر دولتی مطابق با مصالح سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود به تبیین و تعیین جرائم و تعریف صلاحیتهای محاکم داخلی خود مبادرت می نماید. این البته بدان معنا نیست که دولتها در تعریف صلاحیتهای محاکم خود از هیچ قاعده ای پیروی نمی نمایند. در حقیقت دولتها در اعطای صلاحیت کیفری، معمولاً به دو اصل توجه دارند: اصل سرزمینی بودن جرائم و اصل صلاحیت رسیدگی به جرائم ارتكابی توسط اتباع کشور بدین معنا که اولاً قوانین ملی به دادگاهها داخلی تکلیف می کنند که جرمی را که در قلمرو آن کشور ارتكاب یافته است تحت تعقیب و رسیدگی قرار دهند. ثانیاً در شرایطی جرائم ارتكابی توسط اتباع یک کشور حتی در قلمرو کشور بیگانه قابل رسیدگی در کشور متبوع مرتکب یا مرتکبین تلقی می گردد. با وجد این ممکن است محاکم ملی یک کشور صلاحیت رسیدگی به جرمی را داشته باشند که نه در قلمرو آن کشور و نه توسط اتباع آن کشور ارتكاب یافته است. این مورد به خصوص مربوط به جرائمی است که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور رسیدگی کننده واقع شده



است. وجود چنین وضعیتی آنست که در جامعه دولتهای صلاحیت موازی مراجع ملی را به وجود می آورد و گاه موجب آن می گردد که رسیدگی به جرمی در صلاحیت دو محکمه ملی متفاوت قرار گیرد و هر کدام از آنها بدون توجه به صلاحیت محکمه دیگر خود را صالح به رسیدگی بدانند. علاجی که برای این وضعیت اندیشیده اند پیش بینی اجتناب از محکامه مضاعف در کنوانسیونهای دو جانبه معاضدتهای قضایی است. به عبارت دیگر دولتها توافق می نمایند که چنانچه محکمه کشور طرف معاهده به جرمی رسیدگی نموده است به حکم صادره از آن محکمه اعتبار امر مختومه ببخشند. نظیر همین راه حل در بند ۷ ماده ۱۴ میثاق حقوق مدنی و سیاسی سال ۱۹۶۷ که دولت ایران نیز در سال ۱۳۵۴ بدان پیوسته است نیز پیش بینی شده است. باید توجه داشت که راه حل مزبور راه حل تعارض صلاحیتها نیست یعنی راه حلی نیست که بر اساس آن تعارض صلاحیتهای دادگاهها از میان برداشته شود بلکه مربوط به زمانی است که دادگاهی خود را صلاحیتدار دانسته و به جرمی رسیدگی نموده و حکم صادر کرده است. در این هنگام قاعده عدم جواز محاکمه مضاعف مانع از صلاحیت دادگاه دیگر می شود. بنابراین تعارض دادگاهها در رتبه ایجاد حل نمی شود بلکه پس از اعمال صلاحیت توسط یک دادگاه از دادگاه دیگر نفی صلاحیت می گردد نتیجه آنکه هنوز راه حلی برای تعارض صلاحیتهای محاکم ملی - در مرحله ایجاد - وجود ندارد.

این وضعیت منحصر به روابط بین محاکم ملی نیست. صلاحیت موازی بین یک دادگان بین المللی و محاکم ملی نیز ممکن الوقوع است ، به عبارت دیگر تشکیل یک دادگاه بین المللی و یک محکمه ملی چگونه باید حل شود؟

با وجود آنکه عده ای بر این باور بوده اند که اصل حاکمیت دولتها مانع از آن است که مقررات مربوط به اعمال صلاحیت دادگاههای ملی توسط مراجع بین المللی نقض گردد، غالب حقوقدانان بین المللی از این نظر حمایت نموده اند که قواعد حقوق بین الملل برتر از قواعد حقوق داخلی دولتهاست و بدین لحاظ هر گونه تعارض بین قواعد حقوق بین الملل و قواعد ملی همواره می بایست به نفع قواعد حقوق بین الملل حل شود. نتیجه آنکه تعارض



صلاحیت دادگاه ملی و دادگاه بین‌المللی همواره به نفع دادگاه اخیر الذکر باید حل شود. پاره ای از کشورها برتری قواعد حقوق بین‌الملل و به طور مشخص قواعد حقوق معاهدات را نسبت به قوانین ملی در قانون اساسی نیز متذکر شده‌اند. اما برتری یا عدم قواعد حقوق بین‌الملل و به طور مشخصتر صلاحیت دادگاه بین‌المللی نسبت به دادگاه داخلی نزاعی است که در فقدان قواعد خاص حل تعارض باید بدان اندیشید. به عبارت دیگر در شرایطی که مرجع یا مراجع اعطاکننده صلاحیت به مسأله تعارض صلاحیتها اندیشیده و قاعده خاص حل تعارض ارائه نموده‌اند را محل تعارض مراجعه به قاعده خاص حل تعارض است. این وضعیتی است که در تعارض مراجع کیفری بین‌المللی و مراجع ملی شاهد آن هستیم. به بیان دیگر ملاحظه منشور یا اساسنامه دادگاههای کیفری بین‌المللی که تا کنون تشکیل گردیده‌اند نشان می‌دهد که با نیاز این محاکم به مسأله تعارض صلاحیت دادگاه بین‌المللی با محاکم ملی توجه نموده‌اند.

اولین دادگاههای کیفری بین‌المللی که وظیفه رسیدگی به جرائم بین‌المللی را به عهده گرفتند دادگاههای نورنبرگ و توکیو بودند که به موجب منشور لندن در سال ۱۹۴۵ توسط ۴ کشور فاتح تشکیل گردیدند.

ماده ۶ « منشور دادگاه بین‌المللی نظامی » نورنبرگ دادگاه مزبور را به رسیدگی به جرائم علیه صلح، جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت که افراد و سازمانهای رایش سوم در جریان جنگ دوم جهانی مرتکب شده بودند مأمور نمود. متفقین دادگاه نظامی بین‌المللی دیگری نیز به همین منوال در توکیو به منظور محاکمه متهمین ژاپنی تشکیل دادند.

دادگاههای نورنبرگ و توکیو ویژگیهای مربوط به خود را داشتند هر دو دادگاه را فاتحان جنگ و نه مرجع یا مراجع بین‌المللی تشکیل دادند. صلاحیت هر دو دادگاه هم از نظر تاریخی و هم از نظر جغرافیایی محدود بود. هر دو دادگاه صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی و حقوقی معینی را داشتند وقوه قهریه هر دو دادگان نیز قوای نظامی دولتهای فاتح بود.



این ویژگیها دادگاههای مزبور را از دیوان کیفری بین المللی که در شرف تأسیس است جدا می سازد. دیوان ، دائمی است و محدوده جغرافیایی نیز ندارد. دیوان به موجب معاهده ای بین المللی تأسیس می شود و تنها صلاحیت رسیدگی به جرائم اشخاص حقیقی را خواهد داشت و بالاخره قوه قهریه دیوان قوای حاکم دولتهای عضو است.

با این اوصاف ، منشور نورنبرگ امکان رسیدگی به جرائم جنایتکاران جنگ دوم جهانی در محاکم ملی را از نظر دور نموده بود. مواد ۱۰ و ۱۱ منشور بر صلاحیت محاکم ملی دولتهای عضو در رسیدگی به جرائم اشخاص گروهها یا سازمانهای جنایتکار ، بادر نظر گرفتن محاکمات نورنبرگ تأکید کرده بود دادگاههای نورنبرگ و توکیو پس از پایان محاکمات به کار خود نیز پایان دادند.

در سال ۱۹۹۹ به دنبال جنایاتی که در قلمرو کشور یوگسلاوی سابق واقع گردید دادگاهی به نام « دادگاه بین المللی برای تعقیب اشخاصی که مسئول نقض فاحش حقوق بشر دوستانه بین المللی در قلمرو یوگسلاوی سابق از سال ۱۹۹۱ می باشند، توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تشکیل گردید شورای امنیت دادگاه مشابهی نیز در سال ۱۹۹۴ به موجب قطعنامه شماره ۹۵۵ (۸ نوامبر ۱۹۹۴) به استناد فصل ۷ منشور ملل متحد و با توجه به درخواست دولت رواندا برای رسیدگی به جنایاتی که در کشور مزبور ارتکاب یافته بود تشکیل داد.

اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق و دادگاه رواندا با تصریح به صلاحیت موازی دادگاه بین المللی و محاکم ملی ، مقرر نموده اند که رسیدگی در دادگاه بین المللی برتر و دارای اولویت است. پژوهش پیش رو اجمالی درباره منشأ حقوقی و صلاحیت دادگاه بین المللی رسیدگی به جنایات ارتكابی و تطبیق آن با دادگاه نورمبرگ و دیوان کیفری بین المللیمی باشد .بر خوانندگان پوشیده نیست که دادگاه یوگسلاوی از نخستین دادگاه کیفری بین المللی است که پس از تأسیس سازمان ملل متحد تشکیل شد و به عنوان نهادی فرعی از شورای امنیت، به امر تعقیب و مجازات جنایتکاران در قلمرو یوگسلاوی سابق همت گماشت. این دادگاه بر پایه اساسنامه ای نسبتاً منسجم و جامع که دبیر کل سازمان ملل متحد به شورای امنیت عرضه



کرد و این شورا آن را به تصویب نهایی رساند، صلاحیتی بین‌المللی در محاکمه و مجازات جنایتکاران جنگی و ناقضان حقوق بشر یافت. دادگاه نورمبرگ در مقایسه با دادگاه یوگسلاوی سابقه بیشتری دارد، اما اعتبار و مشروعیت بین‌المللی دادگاه یوگسلاوی از دادگاه نورمبرگ بسی افزون‌تر است؛ چرا که دادگاه نورمبرگ منبعث از توافق دول فاتح جنگ دوم جهانی است و اعتبار بین‌المللی آن در هاله‌ای از ابهام و تردید قرار دارد. تصویب اساسنامه دادگاه یوگسلاوی از حمایت افکار عمومی برخوردار بود و این امر را آشکار ساخت که اراده جهانی در مبارزه با جنایتکاران بین‌المللی و متجاوزان به حقوق بشر دوستانه بسیار جدی است. این اراده و عزم جهانی نهایتاً در قالبی ماندگار و مستقل تجسم یافت و دیوان کیفری بین‌المللی را که نهاد کیفری دائمی و مستقل بین‌المللی است، خلق کرد؛ نهادی که مولود شرکت‌کنندگان در کنفرانس رم می‌باشد. بی‌شک در مقایسه‌ای ساده بین اساسنامه دادگاه‌های نورمبرگ، یوگسلاوی و دیوان به روند تکاملی دادگاه کیفری بین‌المللی اعتراف خواهیم نمود؛ دادگاهی که پس از جنگ جهانی دوم تنها بر پایه توافق چند جانبه بین دول فاتح تأسیس شد؛ در گام بعدی خود به عنوان نهادی فرعی از شورای امنیت سر برآورد و در نهایت به دادگاهی مستقل و دائمی تبدیل شد. مسلماً شروع به کار جدی دیوان تأثیری شگرف در برقراری عدالت کیفری بین‌المللی به جای خواهد نهاد و در تحقق نظم نوین جهانی و یکپارچگی و وفاق جامعه بین‌المللی - که به دهکده جهانی معروف شده است - نقشی کلیدی ایفا خواهد کرد. هرچند برخی از کشورهای ابرقدرت به ویژه ایالات متحده آمریکا موانع جدی بر سر راه تشکیل و ادامه حیات دیوان کیفری بین‌المللی ایجاد نموده‌اند، با اطمینان می‌توان گفت که سیل بنیان‌کن عدالت خواهی و بشر دوستانه جدید هرگونه مقاومت لجوجانه و قلدرانه را درهم خواهد شکست و بشر شاهد فعالیت چشمگیر دادگاهی بین‌المللی برای رسیدگی جنایت علیه بشریت خواهد بود.

مقدمه

از آنجاییکه یکی از روشهای طرح دعوی و تشکیل پرونده در دیوان کیفری بین المللی ، ارجاع موضوع از جانب یکی از دول عضو می باشد (به شرط آنکه جرم در یکی از دولت های عضو رخ داده باشد و یا مجرم تبعه ی یکی از دولت های عضو باشد) و به طور طبیعی دعوی علیه یکی دیگر از دولت ها مطرح خواهد شد . بنابراین رابطه ای حقوقی ایجاد خواهد شد که در آن دولتی علیه دولتی دیگر (در واقع دولتی علیه تبعه ی دولتی دیگر) طرح دعوی نموده است ؛ گویی اختلافی میان دو دولت واقع شده که این اختلاف در قالب یک شکایت جزایی در دیوان کیفری بین المللی مورد حل و فصل قرار خواهد گرفت. در نتیجه بررسی صلاحیت های دیوان از این دیدگاه می تواند مرتبط با نظام بین المللی حل و فصل اختلافات بوده که از اهمیت فراوانی نیز برخوردار می باشد. در مبحث حل و فصل اختلافات بین المللی (هم در روش های سیاسی و هم در روش های حقوقی) مهمترین اصل ، رضایت است و این یعنی تراضی طرفین در باره ی انتخاب روش حل اختلافات میان خود، که در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد. حال پرسش اینجاست که در دیوان کیفری بین المللی که در اصل وظیفه ی رسیدگی به برخی از جرایم جزایی و تخلفات کیفری را دارا است وضعیت اصل رضایت و رعایت حق حاکمیت دولت ها چگونه است؟همینطور بحث مصونیت سران و سایر مقامات دولتی که این نیز در راستای حق حاکمیت ملی دولت ها می باشد ، به چه ترتیب می شود؟ همچنین اینکه در اساس کدام دسته از جرایم و تحت چه شرایطی در حیطه ی صلاحیت دیوان قرار می گیرد؟ و نیز اینکه رابطه ی میان شورای امنیت سازمان ملل متحد و دیوان کیفری بین المللی لاهه چگونه است؟ پاسخ به تمامی این پرسش ها و پرسش هایی از این دست در قالب بررسی انواع و چگونگی صلاحیت های دادگاههای کیفری بین المللی در این کتاب مورد رسیدگی قرار می گیرد.

تشکیل یک دیوان کیفری بین المللی سالهاست که مورد توجه و استقبال مردم جهان قرار گرفته است و جامعه جهانی نیز برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و بشری از دیرباز در پی



- .٣٢U.N.Doc.A/CN. ٤L. ٥٣٢((١٩٩٦
- .٣٣U.N. Doc.A/ ١٠/٤٩((١٩٩٤
- .٣٤Un Doc s/PV. ٣١٧٥, ٢٢Feburary .١٩٩٣
- .٣٥UN, DOC, S/RES/ ٨٢٧(١٩٩٣); ٣٢ILM ١٢٠٣.(١٩٩٣

E. Website

- .٣٦<http://www.un.org>
- .٣٧<http://www.un.org>
- .٣٨<http://www.untreaty/un.org>
- .٣٩<http://www.conventions.coe.int>
- .٤٠<http://www.icc-cpi-int>
- .٤١<http://www.amnesty.org>
- .٤٢<http://www.ictr.org>
- .٤٣<http://www.icty.org>
- .٤٤<http://www.iccnw.org>

